

اساس
سوسیالیسم
انسان است

جوانان حکمتیست ۱

سه شنبه ها منتشر میشود

۱۰ شهریور ۱۳۸۳

سر دبیر: فواد عبداللهی

foadabdullahi@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۴۷۸۹۰۸۰۹۱۴۲

مصاحبه با بهرام مدرسی دبیر سازمان جوانان کمونیت - حکمتیست



بهرام مدرسی

جوانان حکمتیست: برای کسانی که شما را با رهبری جنبش جوانان و سازمان جوانان کمونیت تداعی میکنند، خارج شدن شما از این سازمان و تشکیل سازمانی دیگر جای سوال است. چرا سازمان جوانان دیگری را تشکیل دادید؟
بهرام مدرسی: سازمان جوانان کمونیت، سازمان جوانان حزب
در صفحه ۳

رژیم اسلامی ایران، از جوه تاریک و شرم آور جامعه امروزی است که انسان زنده در آن بیش از پیش تحقیر، سرکوب، لگدمال، حلق آویز و اعدام... می شود. طبق هیچ حداقل استاندارد و اسلوب انسانی، جامعه ایران و کشورهای اسلام زده، شایسته زندگی بشر امروزی نیستند. اگر مردم در مقابل این همه بی حقوقی و تبعیض و بی سرنوشتی هنوز قیام نمی کنند باید در پی فهم و تحلیل چرایی هایش برآمد. اگر خفقان هنوز دوام آورده است، علت های بقایش را باید جستجو کرد. بدین خاطر ما جوانان کمونیت- حکمتیست بر آن شدیم که با از سر گیری دور دیگری از مبارزات پیگردمان و برای حفظ حرمت
در صفحه ۷

یادداشت سردبیر



فواد عبداللهی

foadabdullahi@yahoo.com

امروز، ما جوانان جامعه ایران، شاهد حکومت جانورانی هستیم که پایه های نظامشان بر مبنی فقر و نابرابری و جهل و خرافه آراسته شده است. دنیایی بر گرده ما ساخته اند که در آن بشریت اسیر دست اژدهای مذهب و سرمایه است.

تماس با سازمان جوانان

کمونیت - حکمتیست:

دبیر سازمان:

بهرام مدرسی

bahramsik@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۴۰۲۰۱

فاکس: ۰۱۲۱۲۱۰۳۲۳۶۱۳

مسئول خارج کشور:

جمال کمانگر

تلفن: ۰۰۴۴۷۸۱۴۷۶۵۶۱۹

مسئول مالی:

نسیم رهنما

تلفن: ۰۰۴۵۵۱۵۲۹۶۲۰

اطلاعیه اعلام موجودیت سازمان جوانان کمونیت - حکمتیست

در صفحات دیگر:

اطلاعیه اعلام موجودیت حزب کمونیت کارگری ایران - حکمتیست

اطلاعیه برگزاری اولین کنفرانس کادرهای

حزب کمونیت کارگری_ حکمتیست

پیام بهرام مدرسی

دبیر سازمان جوانان کمونیت - حکمتیست

به دانشجویان و دانش آموزان به مناسبت اول مهر ۱۳۸۳

بیانیه اکثریت کمیته مرکزی حزب کمونیت کارگری

در باره کناره گیری از حزب کمونیت کارگری ایران

اعلام پیوستن کمیته کردستان حزب کمونیت کارگری ایران

به حزب کمونیت کارگری ایران - حکمتیست و

تحولات مهم در حزب کمونیت کارگری



محمد فتاحی

حزب کمونیت کارگری- حکمتیست لازم است کارهای اساسی تر را در اولویت قرار داد. نتیجتاً نوشته فعلی اولین کار من برای شما جوانان کمونیت است. اولین نوشته من در گذشته جوابی بود به پلمیکی که در نشریه سازمان جوانان کمونیت شماره صدو هیجده در مورد مباحث "سلبی اثباتی" (جدلی میان منصور حکمت و حمید تقوایی) بین سردبیر نشریه رفیق مصطفی صابر و رفیق دیگری از داخل، در جریان بود. احتمالاً از سردبیر این نشریه خواهش کنم تا آن نوشته را بار دیگر در نشریه جوانان کمونیت- حکمتیست چاپ کند.
در صفحه ۲

رفقا کمونیت جوان!

این نوشته را برای درج در نشریه خودم "پاسخ" آماده کرده بودم. از طرف بهرام مدرسی به من پیشنهاد شد که به عنوان همکار سردبیر جوان و خوش ذوق "جوانان کمونیت- حکمتیست" فواد عبداللهی کمکی بکنم. و احساس کردم در ابتدای کار

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

تحولات مهم در حزب کمونیست کارگری

آن بحث و برداشتهای متفاوت در صفوف کمونیسم کارگری، یکی از تفاوت‌های اساسی در میان ما بود. و اما در مورد بحث فعلی؛

در ماههای گذشته مباحث مهمی در درون حزب کمونیست کارگری در جریان بود. مباحثی که کمیته مرکزی و اسکلت کادر حزبی را به دو بخش تقسیم کرد.

بگذارید قبل از مراجعه به ریشه‌های این مسئله به وضعیتی بپردازم که حزب در آن به سر میبرد.

یک تصویر از حزب در دوران اخیر؛ کسی که نشریات و تبلیغات و فعالیت‌های حزب کمونیست کارگری را بویژه در یکسال گذشته از نزدیک تعقیب کرده باشد، متوجه یک واقعیت شده است. این حزب رنگ و روی دوران منصور حکمت (نادر) را ندارد. تبلیغاتش اساسا در

چهارچوب بقیه گروه‌های چپ می‌گنجد. "انترناسیونال" نشریه هفتگی حزب به سطح نشریات بقیه جریانات چپ سنتی نزول کرده است. ویتامین مقالاتش همانی است که کم و بیش در نشریات "جهان امروز" کومفله و "تکبرگی" راه کارگر و کارهای بقیه گروه‌های چپ سنتی میشود مشاهده کرد. توضیحات خسته کننده در مورد اوضاع سیاسی، مقالات و نوشته‌های سطحی و تکراری اندر باب چگونگی

مبارزات روزمره مردم، و انشاهای متعدد در مورد انقلاب. سطح این تولیدات تبلیغی به جایی نزول کرده است که خود فعالین حزبی هم اشتیاق چندانی به پخش و تکثیرش ندارند. فعالین داخل کشور از خسته کننده بودنش گلایه دارند، و در سطح خود حزب در خارج هم کمتر کسی اشتیاق این را دارد که سراغ شماره جدیدش را بگیرد. در سطح

فعالیت‌های دیگر در جایی که بازوی علنی حزب در خارج کشور میتواند به دور از استبداد کار کند، اساسا عبارت است از آکسیونها و تظاهرات‌های حزبی به مناسبت‌های مختلف، که بدون اینها، از زاویه

کسی که از خارج حزب به آن نگاه میکند، متوجه فعالیت‌های جدی

دیگری نمیشود. کارهای دیگری صورت میگیرد، اساسا کمپین‌هایی است در دفاع از حقوق پناهندگان و زنان و مبارزات کارگری در داخل کشور، که اینگونه فعالیتها را کم و بیش جریانات دیگر چپ نیز به پیش میبرند، منتها با توجه به نیروی کم‌شان در سطح پایین‌تری و در ابعاد محدودتری، ولی جنس کار تقریبا همان است. تفاوت اساسی نه در کیفیت کار که در کمیت آن است. به همین دلیل به نسبتی که نیروی حزب فعال است، به گسترش وسیع آن در جامعه ایرانی‌های خارج کشور منتهی نمیشود. در داخل کشور نیز

حزب داری سیاست فعالی برای دخالتگری در مبارزات مردم و در فضای متحول سیاسی نیست. در جریان زلزله بم که جامعه را به نقطه جوش رساند، و اتخاذ یک سیاست

دخالتگر و سازماندانه نمیتوانست اتوریته حزب را به سرعت بالاتر ببرد، کار ما تنها سازماندهی یک کمیته اظطراری در خارج کشور

صرفا برای تبلیغات بود. در حالیکه مردم به یک سازماندهی میلیونی برای رساندن کمک به زلزله‌زدگان نیاز داشتند تا در متن آن نیروی خود را به میدان آورند و خود را برای نبرد بزرگتری علیه نظام اسلامی آماده کنند، سیاست ما یک انفعال تمام

عیار با یک پوشش تبلیغاتی صرف علیه رژیم بود. در جریان هیجده تیر امسال، اگر رژیم اسلامی به یک سرکوب سیستماتیک از قبل دست برد، کار ما صرفا یک تبلیغات خشک و نافع بود. در حالیکه

سلطنت‌طلبان از طریق کانالهای زنده تلویزیونی مشغول دادن رهنمود به مردم بودند، تلویزیون ما به ادامه پخش برنامه‌های عادی خود ادامه داد، و از دست بردن به یک ابتکار

جدی و حتی نیمه جدی ناتوان ماند. کار به جایی رسید که سلطنت‌طلبان در نقد برنامه‌های کانال جدید جرئت کردند بگویند این کانال در گرماگرم هیجده تیر بیشتر مشغول پخش

آهنگ بود. در تحلیل وقایع هیجده تیر به این اکتفا شد که مانع به میدان آمدن مردم حضور نیروی

سرکوبگر رژیم در خیابان و مراکز شهر بود. این در حالی بود که محلات شهرها را در هیچ‌جایی رژیم نتوانسته بود اشغال نظامی کند، و این نقاط شهرها میدانی خالی برای پیشبرد هزار و یک فعالیت و ابتکار و خلاقیت جوانان بود. میشد

رهنمود داد تا محلات شهرها مرکز اصلی تحركات شود، و در صورت پخش نیروهای رژیم در محلات شهرها، میادین و مراکز شهرها میتوانستند مراکز تجمعات مردم باشند. برای توجیه این بی‌سیاستی،

در نشریات حزبی نوشته شد که اگر رژیم مانع هیجده تیر شد، در عوض هر روز هیجده تیر است! برای توجیه نبود یک سیاست دخالتگر، ادعا کردیم اگر در هیجده تیر کاری نشد،

در عوض مردم بری زدن رژیم کماکان در میدانند! گفتیم اگر اتفاقی روی نداد مهم نیست چون در مقابل، مردم مشغول انقلاب و تمرین انقلاب‌اند! در جنبش دانشجویی، بعداز مرگ دوم خرداد، حزب

میتوانست سیاست دخالتگرانه‌ای برای سازماندهی بدیل سوسیالیستی در این جنبش باشد. در غیاب یک سیاست فعال و سازمانده، سرنوشت این جنبش به اتفاقات سپرده شده است. در مقابل، در نشریات ما

مرتب به خودمان و به دیگران توضیح میدهم که یک انقلاب در راه است. در جنبش آزادی زنان، از زمانیکه مهنوش موسوی سردبیر سابق نشریه سازمان آزادی زن برکنار شده است، نشریه مربوطه به سطح

تبلیغات انترناسیونال هفتگی پایین آمده است. در این عرصه نیز به جای سازماندهی جدی و یا قدم برداشتن برایش، کار ما اساسا یک سیکل تکراری در تبلیغات است. در سطح

عمومی تقریبا تمام نیروهای سیاسی ایران به شیوه‌های مختلف به آلترناتیو یک ایران فدرال پیوسته‌اند. این یعنی ترسیم یک سناریوی سیاه

برای جامعه‌ای که قرار است متحول شود. این یعنی رضایت تقریبا اکثریت جریانات رنگارنگ هوادار نظام سرمایه‌داری به جای‌گزینی هویت اسلامی با هویت زشت قومی. در مقابل چنین تصویری، حزب کمونیست کارگری بطور اتوماتیک مبیایست به یک سیاست فعال و افشاگرانه علیه این سناریوی سیاه روی بیاورد. ولی حزبی که به تبلیغات اثباتی و بی‌روح در مورد

اهداف سیاسی‌اش روی آورده است، طبیعی است که به این کار روی خوش نشان ندهد. در مورد انقلاب آتی ایران، آنچه که خط سیاسی حزب است، فقط تبلیغ این مسئله است که انقلاب در راه است. حزبی که در این راستا راه میبرد، در عمل فقط منتظر انقلاب است، نه سازمانده آن.

در این رابطه هم بارها ادعا شده است که چون در انقلاب آتی ایران، حزب بدون رقیب است، ما اتوماتیک رهبر آن میشویم! در این رابطه یک تصویر ساده، و خطی جا افتاده در

درون چپ سنتی موجود است، که گویا مبارزات روزمره مردم به تدریج خود بخود ارتقا پیدا میکنند، مردم در سازمانهای صنفی متشکل میشوند، طبقه کارگر با شوراهاش

به میدان میاید و انقلاب روی میدهد. از آنجا که اهداف و برنامه ما هم بهترین است، توسط مردم و جامعه به عنوان رهبر انتخاب میشویم و در راس مردم قدرت را

میگیریم. این تصویر خطی نیازی به سازماندهی کارهای هرکولی ندارد، نیازی به اتخاذ یک سیاست دخالتگر

ندارد، فرصت‌ساز نیست، و نه فقط این، در از دست دادن فرصت استاد است. این شیوه نگرش به انقلاب، میتواند به هر کاری دست ببرد جز به یک سیاست دخالتگر، میتکر و خلاق بری ایجاد تغییر و گرده‌آوری نیرو در جامعه.

محصول این نوع جهت‌گیری، حزب غیررشاش و بی‌حالی است که در حال حاضر از درون و از بیرون به چشم می‌خورد.

علت چیست؟ کسی که منصفانه فکر و قضاوت کند به من خواهد گفت که این حزب از مدت‌ها قبل از کنگره چهارم آن نیز این پروسه را شروع کرده بود. این واقعیت دارد. منصور حکمت حدود یکسال بعداز کنگره

سوم، در سال ۲۰۰۲، خطاب به پلنوم چهاردهم کمیته مرکزی گفت که این حزب در مسیری نمیرود که در کنگره سوم در سال ۲۰۰۱ در مقابلش قرار گرفت. بعدها در آخرین نوشته‌هایش گفت که این حزب به چپ سنتی نزدیک‌تر است تا به چیزی که باید بشود. در ادامه این وضع بود که منصور حکمت درگذشت، و با غیبت او بزرگترین ضربه‌ای که می شد تصور کرد به حزب وارد شد. حزب کسی را از دست داد که برایش سیاست، تاکتیک، استراتژی، سبک

کار، سنت، متد و... بود. حزب کمونیست کارگری به قول کورش مدرسی در حالیکه در شیب سربالایی به جلو میرفت، لوکوموتیورانش را از دست داد. دو راه جلو پای حزب بود. جلو رفتن یا عقبگرد در آن سراسیمه. حزب یا

میبایست در جهتی که "نادر" میرفت به حرکتش ادامه دهد، یا به سنن و سیاست‌هایی برگردد که منصور حکمت هر دوره میخواست از آن دورش کند، سنن و سیاست‌های

چپ سنتی. سنن و سیاست‌هایی که ویژه همه جریانات جا افتاده این نوع چپ در عالم سیاست در سرتاسر جهان است، سنن و سیاست‌هایی که

هر جریان کوچک و بزرگ چپ را به گروه فشاری در حاشیه سیاست اصلی در جامعه تبدیل کرده است، به نیروهایی که به اندازه کافی بر اصول پا می‌فشارند، به اندازه کافی

فعالیت و جنب و جوش دارند، به اندازه کافی فداکاری میکنند و قربانی میدهند، منتها وقتی زمان دست بردن به قدرت سیاسی میرسد

هزار و یک بهانه میاورند که نمیشود! نمیشود چون قرار نیست حزب قدرت بگیرد، نمیشود چون طبقه کارگر به میدان نیامده است، نمیشود چون شوراها سازمان پیدا نکرده‌اند، و نمیشود چون نمیشود! "نادر" این تیپ چپ را به کسی تشبیه میکنند که در کنار دریا نمیخواهد شنا کند،

منتها به جای اعلام عدم تمایل قلبی‌اش، بهانه میاورد که آب سرد است، که مایو همراه ندارد، که وضع جسمی‌اش خوب نیست، که سرما خورده است، و...

حزب ما به جای جلو رفتن در مسیر قبلی، راه سهل‌تر دوم را انتخاب کرد؛ عقبگرد به آنجایی که سالهای اخیر نقدش کرده بود، برگشت به گاراژ گروه‌های فشار. بالاترین تکان

به این جهت، طرح شعار "زنده باد شوراها" توسط رفیق حمید تقوایی در دوره هیجده تیر ۱۳۸۲ در "انترناسیونال هفتگی" هفته‌نامه اصلی حزب بود. فکر میکرد با به میدان آمدن مردم، سیاست سازماندهی شوراها باید در اولویت فعالین داخل کشور قرار بگیرد. اتخاذ احتمالی این سیاست، فرستادن فعالین دنبال نخود سیاه بود. بزرگترین بلوک‌بندی درون کمیته مرکزی در مخالفت و موافقت با در

کمونیست کارگری ایران بود. این سازمان اساسا با ایده اولیه منصور حکمت برای متشکل کردن جنبش رادیکال جوانان حول شعارها و مطالبات حزب و بقدرت رساندن این حزب تشکیل شده بود. بخشی از رهبری حزب کمونیست کارگری اما بخصوص بعد از کنگره ۴ امتناع کامل خود را از این امر، کسب قدرت سیاسی، اعلام کرد. در این مورد البته بحثهای زیادی در حزب صورت گرفته است که من امیدوارم در فرصتهای دیگری مفصلا به آنها بپردازیم. روشن بود که سازمان جوانان کمونیست نمیتواند خواهان به قدرت رسیدن حزبی باشد که خودش بدو خیال به قدرت رسیدن را ندارد. کار ما در سازمان جوانان کمونیست طبعاً نمیتوانست تنها جلب نظر جوانان به حزب کمونیست کارگری ایران باشد. برای ما صرف وجود و کار سازمان جوانان کمونیست، همانطور که قبلا گفتم برای به قدرت رساندن این حزب متمرکز شده بود و به فکر میبکنم هرکسی که از نزدیک فعالیتهای این سازمان را تعقیب کرده باشد این را خواهد دید. و همانطور که گفتم با دست شستن بخشی از رهبری این حزب از کسب قدرت سیاسی و کل مباحثات منصور حکمت در این مورد، کار با سازمان جوانان این حزب هم برای ما دیگر محلی از اعراب نداشت. وقتی صحبت از ما میبکنم منظوم کل بدنه کادرها و رهبری سازمان جوانان کمونیست در ایران و در خارج کشور است. برای ما تحقق اهدافمان برای ایجاد واقعی یک دنیای بهتر، با پیوستن به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست و تاسیس سازمان جوانان این حزب نمیتوانست عملی شود. که خوب این کار را هم کردیم.

جوانان حکمتیست: شما گفتید که بخشی از رهبری حزب سیاستهای منصور حکمت برای کسب قدرت سیاسی را کنار گذاشت. وجود بخش دیگر رهبری حزب که اکثریت رهبری حزب را هم تشکیل میداد، کافی نبود که شما در این حزب بمانید و سازمان جوانان آنرا کماکان رهبری کنید؟

بهرام مدرسی: این حتما یک اطلاعاتیه تاسیس حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست، صحبت

کرده ایم. ما میتوانستیم در رهبری حزب باقی بمانیم و هم حمید تقوایی را از سمت لیدری حزب خلع کنیم و هم ترکیب دیگری از دفتر سیاسی را انتخاب کنیم و کل ارگانهای رهبری حزب را به دست بگیریم. ما این راه را انتخاب نکردیم، به این علت که این رفقا حتما میرفتند و جمعی را تشکیل میدادند و به خودشان نام حزب کمونیست کارگری را مینهادند، پتانسیلی که متاسفانه تا امروز این رفقا از خودشان داده اند، این پیشبینی را البته تصدیق میکند. آنوقت همه میبایست شاهد تکرار "پروژه" چریک اقلیت و اکثریت میشدند و کل این، ما حکمتیستها را بجای اینکه تمرکز بر کار اصلیمان مشغول جواب دادن به این رفقا و شرکت در "مسابقه ای" که اینها میتوانستند به ما تحمیل کنند، میکرد. ما خواهان این نبودیم. چون هر لحظهای که ما از اجرای کارهای اصلیمان باز بمانیم و در این "جنگ" این رفقا شرکت کنیم، به معنی عقب افتادن اجرای کل پروژه ای میبود که منصور حکمت ظرف ۲۵ سال ما را برای آن آماده کرده بود. راه دیگر این بود که ما حزب موجود را به آنها بسپاریم و حزب جدیدی را تشکیل دهیم. این علیرغم مشکلاتی که حتما در ابتدای کار برای ما پیش میآورد، اما کم دردسزترین راه ممکن ادامه کمونیسم کارگری و حکمتیسم بود. بخصوص اگر شما به صفا که این حزب را اعلام کرده اند و پشتیبانی حزب کمونیست کارگری عراق از این صف توجه کنید، باید برای همه روشن باشد که این صف جبهه، شهادت و سابقه و تجربه این کار را دارد. و خوب طبیعی است که با خارج شدن حکمتیستها از آن حزب کار با سازمان جوانان آن هم دیگر معنی نمیتوانست داشته باشد. همانطور که گفتم حتما باید در این مورد بیشتر صحبت کرد.

جوانان حکمتیست: شما از اعضای رهبری حزب و کسی هستید که سازمان جوانان کمونیست را به اینجا رساندید. این تصمیم برایتان مشکل نبود؟

بهرام مدرسی: حتما مشکل بود، اما ببینید بین مشغول خود شدن و بیرون رفتن و کار را با تحزب دیگری ادامه دادن، ما دومی را انتخاب کردیم. در سنت منصور حکمت، همیشه در جازدن بقول او "سم" بوده

است، او همیشه میگفت که برای حزب خلاف جریان، پیشروی نکردن برابر با مرگ است. من به همراه اکثریت کمیته مرکزی حزب، راستش برای اینکه این مرگ و این پایان افسانه منصور حکمت را قبول نکنیم، از آن حزب بیرون رفتیم و تحزب دیگری را به کمونیسم کارگری و حکمتیسم دادیم. در مورد سازمان جوانان هم البته که تصمیم ساده ای نبود ولی وقتی میبینم که کل بدنه کادری فعال این سازمان در ایران و خارج کشور با ما است، مصممتر میشوم که سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست را با هم به مصاف نبردها و پیروزی های آینده ببریم. شروع کار حتما قدری سخت خواهد بود، ولی بسیار خوشبینم.

جوانان حکمتیست: برنامه کارتان چیست؟

بهرام مدرسی: ببینید. سازمان جوانان کمونیست را ما به این موقعیت رساندیم و از آنجا که کل آن بدنه اعضا و کادری فعال آن سازمان با ما هستند، برنامه کارمان ادامه همان کارهایی است که در دستور

خود داشتیم. در همین شماره "جوانان حکمتیست" پلاتفرم پیشنهادی من که به تصویب پلنوم پنجم کمیته مرکزی سازمان جوانان کمونیست رسیده بود را چاپ کرده ایم. این نقشه عمل کار ماست. ما اساسا برای اجرای چنین سیاستهایی از آن حزب و سازمان جوانانش جدا شدیم. برای راه اندازی پروژه های دیگر هم در جلسه اول هیئت مؤسس سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست، تقسیم کاری شد که عبارت است از:

- دبیر نشریه "جوانان حکمتیست" خود شما، فواد عبداللهی

- مسئول سایت سازمان به آدرس www.sjk-hekmatist.com

رفیق لیلا روشن ضمیر

- مسئول مالی سازمان، رفیق نسیم رهنما

- مسئول گروپ جوانان کمونیست

در یاهو، رفیق امید خدابخشی

- مسئول خارج کشور سازمان،

رفیق جمال کمانگرو هیئت اجرایی

شامل من، جمال کمانگر، نسیم

رهنما، شیوا فرهمند، لیلا

روشن ضمیر و فواد عبداللهی

انتخاب شد.

دو نفر از رفقا هم بعنوان مشاور دبیر

انتخاب شدند.

جوانان حکمتیست: از چه طریقی

میتوان با این سازمان تماس گرفت؟

بهرام مدرسی: از همان طریقی که تا بحال با ما تماس گرفت شده است. از طریق شماره تلفنهایی که در نشریه اعلام شده اند، آدرسهای مایل و فاکس. رفقا خودشان راهش را میدانند.

جوانان حکمتیست: بگذارید به این پلاتفرم بپردازیم. اما پیشاپیش اصلا ضرورت برگزاری این پلنوم چه بود؟

بهرام مدرسی: این پلنوم در درجه اول پلنومی روتین بود و باید برگزار میشد. دوم اینکه لازم بود که ما بنشینیم و ارزیابی از شرایط امروز خودمان و جنبش جوانان بکنیم و بگویم که نقاط ضعف و قدرت ما چه بوده است و میخواهیم به کجا برویم. در این پلنوم در درجه اول به خودمان نگاه کردیم، به جنبش جوانان در ایران، به جنبش دانشجویی و به نقش و تاثیرمان بر این جنبش و سعی کردیم به سوال اینکه باید به کجا برویم جواب دهیم.

جوانان حکمتیست: ارزیابیاتان چه بود؟ کجا هستیم؟

بهرام مدرسی: در این مورد حتما باید مفصلا صحبت کرد. من در ارزیابی که تقدیم پلنوم و حاضرین کردم، به فاکتورهای مختلفی اشاره شد. از کنار زده شدن کل دم و دستگاه جریانات وابسته به دوم

خرداد در محیطهای دانشگاهی تا رشد سریع و وسیع گرایش چپ و کمونیستی در محیطهای تحصیلی، از کنار زده شدن راههای مبارزه این جریانات تا باز شدن راههای دیگری که همین امروز شاهدش هستیم، از اینکه در دوره معینی اعتراضات دانشجویی دیگر به آن شدت سابق

کل فضای سیاسی جامعه را مخاطب قرار نداده است، ضعفهای آن و دلایل تا این که چرا گذشتن از

دوم خرداد در الیت روشنفکری ما در محیطهای دانشگاهی خودش را

در قدم اول با "کار تئوریک" و عملا کنار گذاشتن حضور فعال سیاسی در

مبارزات جاری مساوی قرار داد، از

اینکه چطور ما از این فرصتها

استفاده کردیم و تلاشهایمان برای

برگرداندن سر اعتراضات جوانان به

خواستهای برحق و واقعی مان تا چه

حد موفقیت آمیز بوده است. در این

باره صحبت شد که ظرفهایی که ما

بجای انجمنها و دفاتر وابسته به دوم

خرداد، توصیه کرده ایم چه بوده اند و

تا چه حد موفق بوده ایم. و کلا اینکه جریان ما تا چه اندازه توانسته است کل این شرایط سیاسی را به نفع خود تغییر دهد. در رابطه با حضور ما در محلات و محیطهای کار هم مفصلا صحبت شد، اینکه چرا حضور ما در محلات هنوز ضعیف است و اینکه چرا فلان فراخوان ما فوراً جواب مثبت میگیرد ولی کاری که پشت این فراخوانها باید انجام شوند، هنوز بجای خود نرسیده است. به میلینات بودن جوانان در محلات اشاره شد و اینکه ما هنوز نتوانسته ایم درست ظرف اتحاد و تشکل این باشیم. به "کمتر" زنانه بودن کل ادبیات سازمان جوانان کمونیست و حضورش اشاره شد. همانطور که گفتم بخش گزارش در واقع ارزیابی ما از خودمان و جنبش جوانان در فاصله یک سال بود که امیدوارم در فرصتهای دیگری مفصلا به آنها بپردازیم.

جوانان حکمتیست: اولین سوالی که میتواند مطرح شود این است که خوب، میخواهید ما را به کجا

ببرید؟ جوانان چیست؟

بهرام مدرسی: در بخش گزارشات ما به قدمهای ۱ تا ۹ امروزمان اشاره کردیم و در بخش پلاتفرم به بحث در مورد قدمهای دیگر پرداختیم. پلاتفرمی که تصویب شد، به نظر من میگوید که قدمهای بعدی ما از ۹ تا ۲۰ چه باید باشند؟ سعی شده است که در جزئیات به آنها پرداخته شود و زوایای کار مان را روشن کنیم. سعی کرده ایم به این سوال که جنبش جوانان را میخواهید

به کجا ببرید جواب دهیم. میخواهیم جنبش جوانان در ایران را متشکل تر، متحد تر و باپرچم تر کنیم. میخواهیم که سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست را به ظرف این اتحاد، تشکل و سیاست تبدیل کنیم و میخواهیم که شعارها و مطالبات حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست مهر خودش را بر

این جنبش بکوبد. میخواهیم که سازمان جوانان کمونیست -

حکمتیست به ظرف اتحاد جوانان برای سرنگونی رژیم اسلامی تبدیل

شود. میخواهیم که جنبش جوانان و بخصوص در محیطهای دانشگاهی

از این فار "کار تئوریک" بیرون بیاید

و خودش را با وظایفی که دارد

در صفحه ۶

تحولات مهم در حزب کمونیست کارگری

از صفحه دوم

دستور قرار دادن این سیاست بمشابه اولویت بود. بحث "شورا" به بحث در مورد استراتژی کسب قدرت شیفت پیدا کرد. کسب قدرت با شورا یا بی‌شورا، بلوک حکمتیست درون کمیته مرکزی و دفتر سیاسی حزب پشت بحث "حزب و قدرت سیاسی" منصور حکمت سنگر گرفت، و مدعی شد حزب قدرت میگیرد نه شورا، حزب ابزار کسب قدرت سیاسی است نه تشکل صنفی، و برای این کار سازماندهی حزب قدرتمند توده‌ای باید در دستور باشد. در مقابل، خط چپ سنتی در درون رهبری مدعی شد که بحث "حزب و قدرت سیاسی" منصور حکمت برای اتخاذ توسط خودمان نیست، رو به مخالفین است. رفیق حمید تقوایی گفت که اگر این مبحث مهمی بود، توسط منصور حکمت مکتوب می‌شد و... ادامه بلوک‌بندی حول استراتژی حزب به کنگره چهار نزدیک شد. نگرانی برای وحدت رهبری بالا گرفت، و کار به جایی رسید که کورش مدرسی لیبر وقت حزب در نامه‌ای به کمیته مرکزی اعلام کرد که در جهت کمک به وحدت حزب، بعد از کنگره چهارم حزب، حمید تقوایی را کاندید این پست میکند. سیاست کورش این بود که به یک اتحاد در رهبری کمک کند. در خدمت به این سیاست در نامه‌اش به کمیته مرکزی نوشت که بعد از کنگره هیچ پست تشکیلاتی در رهبری حزب را نمی‌پذیرد، تا از طرفی دست لیبر جدید حزب برای کارش باز باشد، از طرف دیگر فرصتی پیدا کند که مباحث مربوط به استراتژی و نظرات و بحث‌های دیگرش را در فضایی آرام ارائه دهد. کنگره چهار در حالی برگزار شد که به دلیل اقدام تاریخی کورش، از فضای اختلافات فقط اندکی کاهش یافته بود. در مقابل، بلوک رفیق حمید تقوایی از قبل بخشی از کادراها و نمایندگان کنگره را علیه جناح حکمتیست درون کمیته مرکزی به خط کرده بود. همین موجب شد که کورش و متحدینش به نسبت انتخاباتهای سابق تاریخ حزب رای پائینی را نصیب خود

کنند. اولین بار در تاریخ حزب، کسانی رای پائین آوردند که بالاترین رای‌های انتخاباتهای دوره منصور حکمت را از آن خود می‌کردند. نتیجتاً توازن قوا در درون کمیته مرکزی به نفع بلوک سنتی تغییر کرد. همین امر موجب شد که تعرض آنها به جناح مقابل سرعت بگیرد. ادامه این اختلافات بود که کورش مدرسی را به صحنه رقابت برگرداند و پست ریاست دفتر سیاسی را به دست گرفت.

ریشه این اختلافات در چیست؟

واقعیت این است که اسکلت کادری حزب کمونیست کارگری محصول جنگ علیه ناسیونالیسم کرد در درون حزب کمونیست ایران در اواخر دهه ۱۹۹۰ بود. کمونیسم کارگری از روز اول شکل‌گیری اش در حزب کمونیست ایران و کومه‌له، قرار بود حساب خود را با چپ سنتی پاک کند. رشد کمونیسم کارگری در آن دوره نیز اساساً محصول نقدهایش به سنن و سیاستهای چپ سنتی در درون و بیرون حزب بود. وقایع جنگ خلیج در آن دوره به رشد و جلو آمدن ناسیونالیسم کرد در منطقه و در درون حزب (و کومه‌له) کمک کرد. نتیجتاً کمونیسم کارگری که درگیر نقد به چپ سنتی بود، به جنگی ناخواسته با ناسیونالیسم کرد در درون روبرو شد که نهایتاً به جدایی‌های آن دوره ما از کومه‌له و حزب کمونیست ایران انجامید. کمونیسم کارگری ناچاراً جبهه نبرد علیه چپ سنتی را به نفع تمام کردن دعوا با ناسیونالیسم کرد در درون آن حزب رها کرد. همان موقع گفته شد که نبرد با ناسیونالیسم کرد، کمونیسم کارگری را از اهدافی که برای خود تعیین کرده بود، دور کرد. با این حال، اتوریته مباحث کمونیسم کارگری در آن دوره در نبرد علیه ناسیونالیسم کرد، موجب شد که نیروی چپ سنتی بدون اینکه آسیبی ببیند، و بدون اینکه بحث متفاوتی داشته باشد، سر خود را پایین بیاورد و دنبال کمونیسم کارگری در حزب کمونیست کارگری وارد شود. تمام آن سالها، چپ سنتی بدون اینکه پرچم ویژه‌ای را علم کند در سنن و عملکرد حزب بر همه کارها سنگینی میکرد. غیبت منصور حکمت (نادر) فرصتی شد پرچمدار پیدا کند. و به نیرویش بیفزاید. ادعای اینکه مباحث

شفاهی منصور حکمت، منجمله بحث "حزب و قدرت سیاسی" چون کتبی نیست، معتبر و یا مهم نیست، تنها در غیبت خود او میتوانست به کسی جرئت ابرازش را داشته باشد. منصور حکمت مباحث سیاسی مهمی در کمونیسم کارگری را در سمینارهایی شفاها بحث کرد و فرصت کتبی‌کردنشان را پیدا نکرد. بروز اختلافات بالا در این دوره وقتی سرعت گرفت که می‌بایستی به اوضاع متحول سیاسی در ایران جواب دهیم. بحث "حزب و قدرت سیاسی" منصور حکمت به این دلیل از طرف خط چپ سنتی در رهبری "شفاهی" و نامعتبر ارزیابی شد، تا در دست بردن به آن و اتخاذش در جواب به اوضاع سیاسی فعلی از آن پرهیز شود.

جدایی اجتناب‌ناپذیر بود؟

در یک کلمه نه! چپ سنتی از ابتدا همراه کمونیسم کارگری بوده و به هژمونی آن در سیاست و اهداف و استراتژی، همراه سکوت، اعلام وفاداری کرده است. از نظر ما حکمتیستهای درون حزب، خط چپ سنتی میتوانست در کنار ما بر حزب باشد، و کل نیروی ما بر سیاستهای تابحال اعلام شده حزب و دستاوردهای کمونیسم منصور حکمت متکی باشد. خط چپ سنتی در رهبری اگر ادعا میکرد مباحث شفاهی "نادر" را نمی‌پذیرد، تا ابداع‌کننده سیاستهای دیگری باشد، در سیاستهای تشکیلاتی هم نمیتوانست به سنن چپ سنتی رجوع نکند. خصلت ویژه چپ سنتی در تشکیلات‌داری، اتکا بر محفلیسم عریبان است. اتکا به سنن و فرهنگی است که در آن پرنسیبهای یک حزب اجتماعی جایی ندارد. به همین دلیل از طرف اینها ادعا میشود که نظرات متفاوت در رهبری حزب امکان‌پذیر نیست. این سنت نمیتواند بپذیرد که در یک حزب سیاسی و اجتماعی میشود رهبران و اتوریته‌های سیاسی و نظری متفاوتی عروج کنند. اینها نمیتوانند درک کنند که در یک حزب اجتماعی وسیع همه رهبران سیاسی حزب نمیتوانند در یک چهارچوب فکر کنند. نتیجتاً اتحاد در حزب باید بر پایه اتحاد عمل باشد نه اتحاد نظر. از نظر چپ سنتی همه نظرات سیاسی یا راست و بورژوازی هستند یا کمونیستی و پرولتری.

اتکای چپ سنتی در سیاست، به اصول خدشه‌ناپذیر همیشه پایبندی است که دهه‌های گذشته سیاست‌شنای کل چپ سنتی در دنیا بوده است. درک مقاطع متفاوت مبارزه و اتخاذ سیاستهای دخالتگرانه مینا نیست، نتیجتاً هر نظری که برای دستگاه فکری و نظری آن نا آشنا باشد، بورژوازی، ضدانقلابی و کفرآلود است. بحث "سناریوی سیاه و سفید" منصور حکمت در دوره خودش از نظر چپ سنتی بورژوازی بود، شعار آزادی و برابری که مبتکرش کورش مدرسی بود، از نظر چپ سنتی در بیرون حزب محکوم شد، چون به سیستم فکری این چپ نمیخورد. می‌خواهم بگویم وقتی که تناسب قوا در حزب به نفع چپ سنتی تغییر کرد و شهادت ابراز وجود علنی و رسمی یافت، در عرصه تشکیلاتی و سازمانی نیز راه و سلوک خود را پیش کشید. از نظر این خط تحمل نظری که با وی متفاوت است، تحمل بورژوازی در درون مرزهای حزب است، چون در این سیستم نظری همه چیز یا کمونیستی است یا بورژوازی، یا سفید است یا سیاه، یا انقلابی است یا ضدانقلابی. نتیجتاً با مشاهده خطی که در درون کمیته مرکزی اکثریت هم داشت، برای اینها سناریوی سیاهی بود که میبایست از آن رها شوند. به همین دلیل بود که اعلام کردند که پلنوم کمیته مرکزی اعتبار ندارد، و خود رفیق حمید تقوایی رای کمیته‌ای که وی را به دبیری انتخاب کرده بود نادیده گرفت، و خود راساً اعضا و کادراها هم‌نظرش را به کنگره فوق‌العاده فراخواند، که شیوه‌اش به هیچ بندی از اصول سازمانی حزب متکی نیست. به درخواست وی، تعدادی از اعضا و کادراها حزب در این کنگره شرکت خواهند کرد، بدون اینکه نماینده هیچ بخشی از تشکیلات باشند. گفته شده که این کنگره مجمع عمومی اعضا است. معلوم است که همه اعضای حزب به دلایل مالی و فنی امکان شرکت ندارند، و در عمل کنگره اساساً مجمع اعضای حزب در کشوری خواهد بود که میزبان کنگره است. مثلاً اگر در جایی مثل آلمان برگزار شود، تعداد شرکت‌کننده در این کشور میتواند به تنهایی وزن سنگینی به نسبت شرکت‌کنندگان

از مابقی حزب در شمال آمریکا و کل اروپا باشد. این نوع مجمع مجمع رفقای است که هیچ پرنسیب معینی بر کار حزبی‌شان ناظر نیست، به غیر از همفکر بودن در یک سری اصول و چهارچوب تعیین شده. طبق این شیوه که این رفقا در پیش گرفته‌اند، فردا روز، هر فرد دیگری که نظر متفاوتی با بقیه داشت، میتواند فردا اعضا و کادراهایی که با وی هم‌فکرانند را به کنگره فراخوان دهد تا به حساب خود نظرات بورژوازی و غیرقابل قبول را از حزب طرد کند. این شورش و تظاهرات بخشی از اعضا را فردا روز هر مقام حزبی که نظرش کمی برو داشت میتواند فراخوان دهد و حزیش را حول "نظرات خود" از نو متحد کند، و به قول رفیق تقوایی آنرا از نو متولد کند. نتیجه این سیاست، حزب میتواند هر از گاهی در درون خود انقلاب کند و تعدادی "کافر" را از خود طرد کند، تا "تولد دیگری" نصیب حزب شود! رفیق تقوایی در مصاحبه رادیویی ۲۵ اوت ۰۴ در مورد پروسه مباحث و جدایی اکثریت اعضای کمیته مرکزی و پنجاه درصد مشاورین کمیته مرکزی، گفت از این به بعد حزب قویتر و منسجم‌تر به سوی اهدافش پیش میرود! این سنت در سیاست چپ، عادت داشته که در محافل و سازمانهای چپ سنتی زندگی کند. و به اتحادشان حول اصولی دلخوش باشند. در ذهن این سنت نمی‌گنجد که حزب یک میلیونی میتواند اتوریته‌های نظری و سیاسی متعددی در جنبش اجتماعی‌اش داشته باشد. نتیجتاً نمیتواند مناسباتی در حزب تعریف کند که بر مبنای جنبش اجتماعی کمونیسم کارگری، نظرات متفاوتی شکل بگیرند. از نظر ما حکمتیستها این امر بر پایه منافع جنبش اجتماعی کمونیسم کارگری ممکن است. از ابتدای زندگی این حزب امثال رفقای مثل حمید تقوایی همیشه در مجامع حزبی نظرات و سیاستهایش را مطرح کرده است، همیشه نیز نظراتش به نقد کشیده شده است، بدون اینکه به بورژوا و کافر متهم شود. در حاشیه کنگره سوم بحثی آورد که مورد نقد عمیق "نادر" قرار گرفت، بدون اینکه از طرف احدی به وی انگ راست و چپ بزنند.

پیوستن سازمان جوانان کمونیست واحد فنلاند به سازمان جوانان کمونیست حکمتیست

بدینوسیله به اطلاع می‌رسانیم که سازمان جوانان کمونیست - واحد فنلاند به دنبال جدائی بخش عظیمی از کادرها و رهبران حزب کمونیست کارگری ایران و همچنین تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست و سازمان

جوانان کمونیست - حکمتیست ، پیوستن کامل خود را به سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست را اعلام می‌کند . با این امید که همچنان پر قدرت پرچم کمونیسم کارگری منصور حکمت را نگه

داریم - - - - -
زنده باد سوسیالیسم
زنده باد منصور حکمت

سهند حسین زاده

دبیر سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست / واحد فنلاند

اعلام پیوستن سازمان جوانان کمونیست

واحد ترکیه

به سازمان جوانان کمونیست

کمونیست - حکمتیست

به دنبال اختلافات درون حزب کمونیست کارگری و تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست و هم چنین تشکیل سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست ، سازمان جوانان کمونیست را طرفی مناسب برای فعالیت کمونیستی خود

نیافتیم به همین خاطر از سازمان جوانان کمونیست جدا شده و به سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست می‌پیوندیم و تمام جوانان کمونیست ، آزادخواه و برابری طلب را به پیوستن به سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست

و حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست فرا میخوانیم

زنده باد آزادی برای حکومت کارگری! زنده باد کمونیسم کارگری!

سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست واحد ترکیه

دبیر واحد مهدی حسینی

تحولات مهم در حزب کمونیست کارگری

از صفحه سوم

شخصاً هم هر بار از وی ممنون بوده‌ام، چون هر بار که نظراتش مورد نقد نادر قرار میگرفت، دستاوردی می‌شد برای کل حزب و جنبش‌مان . می‌خواهم بگویم که چه سنتی همیشه شریک زندگی سیاسی در این حزب بوده است، و همیشه هم، به دلیل اتوریته نظری بالای نابغه‌ای مانند نادر، هژمونی کمونیسم کارگری را پذیرفته است . خود نادر بارها میگفت که این حزب به چه سنتی نزدیکتر است تا به چیزی که باید باشد . بارها گفته است که در عمل سیاست و سنت دیگری پیش میرود که از نوع حکمت نیست . در همان بحث "سلبی و اثباتی" در حاشیه کنگره سوم، که در سایت حکمت قابل دسترسی است، به روشنی توضیح میدهد که این حزب در کار و فعالیتش روی خط رفیق حمید است، نه روی خطی که او میخواهد . هر کسی میتواند برود و این بحث را بشنود . نه ماه بعدتر در پلنوم ۱۴ کمیته مرکزی میگوید این حزب (که قبلاً گفته بود روی خط حمید کار میکند) در بحران است، چون از کمونیسم کارگری با فاصله حرکت میکند . و ادامه همان بحران است که امروز به اینجا کشیده است. در این بخش خواستم توضیح دهم که از نظر ما حکمتیستهای درون حزب، وجود چه سنتی در سیاست و عمل ما چیز تازه‌ای نیست و حزب هم همیشه در نقد سنن آن به پیش تاخته است. مباحث "از گروه فشار تا حزب سیاسی"، "حزب و

جامعه" و "حزب و قدرت سیاسی" منصور حکمت محصول نقد به سنن و نگرش این چه است. غیبت منصور حکمت و مباحث پیشبرنده‌اش در حزب، فرجه‌ای باز کرد تا این بار چه سنتی در درون حزب تعرض کند. اگر تابحال این حکمت و حکمتیسم بود که متعرض تعرض میکنند. در سیاست و استراتژی مهمترین مباحث منصور حکمت را به بهانه شفافی بودن کنار میگذازد، در سیاست تشکیلاتی به سنن محفلی مراجعه میکند، که اولین قربانی علنی‌اش حذف سردبیر نشریه سازمان آزادی زن (مهرنوش موسوی) بود. بعداً سازماندهی شورش بخشی از اعضا در قالب کنگره فوق‌العاده علیه کمیته مرکزی و ارگانهای رهبری و پلنوم، تا به حساب خود نظرات کفرآلود را از درون خود جارو کند! در مورد مهرنوش در نشریه آزادی زن اعلام شد که کنار گذاشتن وی به خاطر کمک به کار بهتر سازمان است، در مورد دوم نیز رفیق حمید میگوید فراخوان کنگره برای کنار زدن رهبران حزبی مخالف وی به خاطر کمک به انسجام و قدرتمندتر کردن حزب است! با این سنت و روش هر چند سال یکبار باید انقلاب در حزب را به همین شیوه سازمان داد، تا با کنار زدن بخشی از رهبران حزب را سرخط و قدرتمند نگاهداشت! همین شیوه کار حزبی است که در مقابل کار مشترک در حزب و رهبری مانع ایجاد میکند. و جدا شدن ما از سر ناچاری و به خاطر همین شیوه کار است، مگر نه میشد با همین سطح از اختلافات نظری حزب را با اتکا به اسناد و سیاستهای مصوب به پیش

برد، برای طرح نظرات متفاوت هم نشریه و ظرف مناسب ایجاد کرد. **آینده چگونه خواهد بود؟**
حزب کمونیست کارگری بعد از این تحول به جرگه جریان‌اتی می‌پیوندد که از کمونیسم و انقلابیگری کم ندارند، ولی آنجا که به دست بردن به قدرت سیاسی برمیگردد، بی‌اشتها، پاسیو و نافع‌ال خواهد بود. مثل بقیه چه سنتی استاد از دست دادن فرصتها خواهد شد و در مقابل اتخاذ تاکتیکهای فعال و دخالتگر ناتوان و سست خواهد بود. فعالیت خواهد داشت، فداکاری و سختکوشی خواهد داشت، منتها وقتی که به بحث کسب قدرت میرسد، بحث "حزب و قدرت سیاسی" منصور حکمت نامعتبر و شفافیتی تلقی میشود. نظیر این نوع کمونیستها را میشود در اقصا نقاط جهان پیدا کرد که کل زندگی سیاسی‌شان کار و فعالیت است، منتها همیشه در حاشیه کنج خلوت می‌گیرینند. در خود ایران کنسولی، تعداد جریانات و سازمانهایی که هم خود را کمونیست میدانند و هم قلباً هوادار انقلاب و رهایی‌اند، کم نیست. با همه اینها، مشاهده میکنیم که چگونه در سیاست امروز ایران پاسیو و سست و نافع‌الند. سازمانی مثل کومله در کردستان و خارج کشور نیروی سازمانی کمی ندارد، شناخته شده است و صاحب نام، منتها در عرصه سیاست در جامعه مثر شمر نیست، سست و افتاده و بی‌تاثیر است. نه نیرویی جایجا میکند، نه منشا تغییر و تحولی در جامعه است. گروههای کوچکتر چه همینطور.

این حزب علیرغم هر اشکالی که از نظر ما داشته باشد، اگر با اتکا به سیاستهای تابحال اعلام شده‌اش حرکت کند، علیرغم هر اختلافی در سیاستها و سنن سیاسی و روش و منش حزبی، میتواند نزدیکترین متحد سیاسی ما حکمتیستها در عرصه سیاسی جامعه باشد. راست در جامعه دارای سازمانها و احزاب جا افتاده‌ای است که علیرغم تفاوت‌هایشان، نزدیکی سیاسی‌شان کاملاً مشهود است. کمونیسم هم میتواند همین روش را به پیش ببرد. ما سالهاست که در مورد کومله همین را گفتیم، که آنها به دلایل مختلف پذیرفته‌اند. در مورد حزب کمونیست کارگری هم که تازه صفوفش را ترک کرده‌ام همین اصول میتواند مبنای نزدیکی ما با آنها باشد. رهبری کومله برای جلوگیری از تاثیرات سیاسی ما بر صفوفش سیاست ایجاد تنفر نسبت به ما را در درون خود اتخاذ کرد، حزب کمونیست کارگری امتیادوارم این سیاست را مبنای برخوردش به ما نکند.

آینده و حال
با جدایی ما از حککا و ایجاد حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، راست جامعه برای دوره ای دم میگیرد که قدرتمندترین حزب چه ایران دو شقه شد. ادعا میکنند که سرنوشت کمونیستها همین است. ادعا میکنند که منصور حکمت از ریشه اشتباه بود، ادعا میکنند که کلید جواب به تحولات سیاسی فعلی و آینده ایران در جیب آنهاست. ادعا میکنند که کمونیسم آینده‌ای ندارد و آنها شایسته‌ترین‌های سیاست ایرانند. خطاب به اینها عرض کنم که جواب درست تغییرات

بنیادی در ایران جارو زدن اسلام است، کنار زدن ارتجاع و استبداد است، از ریشه کندن فقر است، محو تبعیض و فقر و نابرابری است، و جواب به اینها را همانطوریکه میبینیم فقط منصور حکمت داده است. در دوره گذشته دیدیم فراندوم را شعار آزادی و برابری جارو کرد. حالا هم جواب همان است. از اینکه برای دوره‌ای کوتاه از امکانات تبلیغی گسترده بی‌بهره‌ایم، حتماً راست از آن نفع خواهد برد، منتها همینجا می‌خواهم بگویم که ما از صفر شروع نمیکنیم و نکرده‌ایم. نیروی اجتماعی کمونیسم منصور حکمت قوی است، سازماندهان قدرتمند حکمتیست اینجا در این حزبند، و ما در پروسه‌ای کوتاه دارای همه امکانات قدرتمند سیاسی تبلیغی خواهیم شد. به اضافه اینکه آینده سیاسی ایران و جوابهایی روشن میخواهد و ما با اعتماد به نفس اعلام میکنیم که دور آتی دوره داغ حضور ما با سیاستهای روشن در قلب جامعه خواهد بود.

یک توصیه به چه سنتی حاشیه سیاست ایران هم دوست دارم عرض کنم؛ کسی برای حمله به ما خیز بر ندارد، کسی برای عملیات ایذایی علیه منصور حکمت دور نگیرد، و کسی برای گرم شدن بازارش حساب کتاب نکند. ما هستیم و جواب همه را داریم.

جوانان حکمتیست را وسیعاً پخش کنید!

اطلاعیه

اعلام موجودیت حزب کمونیست
کارگری ایران - حکمتیست

با این اطلاعیه تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست و آغاز فعالیت آن را اعلام میکنیم. این حزب، ادامه سنت حزبی کمونیسم کارگری و خط منصور حکمت است که به دنبال تحولات درونی حزب کمونیست کارگری ایران ناچار به سازماندهی کمونیسم کارگری در قالب حزبی جدید شده است. حزب کمونیست کارگری ایران -

حکمتیست یک حزب مارکسیستی متعهد به سازماندهی انقلاب اجتماعی طبقه کارگر برای برچیدن نظام سرمایه داری و برپایی جامعه ای نوین مبتنی بر برابری اقتصادی و اجتماعی، آزادی سیاسی انسانها و شکوفایی خلاقیت های مادی و معنوی بشری است. حزب ما تداوم بخش جنبش کمونیسم کارگری و همان افق و خط مشی است که منصور حکمت پرچم آنرا بر افراشت و به این اعتبار خود را حکمتیست میدانند.

حزب ما یک حزب انترناسیونالیستی است و برای همبستگی بین المللی طبقه کارگر تلاش میکند. حزب کمونیست کارگری حکمتیست برای تحقق اهداف جهانی طبقه کارگر مبارزه میکند و دفاع از منافع کارگران جهان را وظیفه خود میداند. در ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست برای تبدیل طبقه کارگر به یک نیروی قدرتمند اجتماعی و سیاسی، استقرار حکومت کارگری یعنی جمهوری سوسیالیستی و تحقق برنامه "یک دنیای بهتر" مبارزه میکند. سرنگونی جمهوری اسلامی یکی از ملزومات اولیه تحقق این هدف است. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست ایجاد یک حزب سیاسی مدرن، اجتماعی و توده ای کمونیستی در ایران و تصرف قدرت

سیاسی را بعنوان شرط سازمان دادن انقلاب اجتماعی طبقه کارگر هدف قرار میدهد.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست کارگران کمونیست و مبارزان راه آزادی، برابری را به پیوستن به صفوف خود فرامیخواند.

۳ شهریور ۱۳۸۳
۲۴ اوت ۲۰۰۴

از اعضا و مشاورین کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران: آذر مدرسی، اسد گلچینی، اسد نودینیان، اسعد کوشا، اسماعیل ویسی، اعظم کم گویان، امان کفا، امجد غفور، ایرج فرزاد، بهرام مدرسی، بهروز مدرسی، ثریا شهابی، حسین مرادیگی - حمه سور، خالد حاج محمدی، داریوش

نیکنام، رحمان حسین زاده، ربیوار احمد، سلام زیجی، سمیر عادل، سعید قادریان، سعید کرامت، سعید یگانه، صالح سرداری، طه حسینی، عبدالله دارابی، عبدالله شریفی، فاتح شیخ، کورش مدرسی، مجید حسینی، محمد راستی، محمد فتاحی، محمد فضلی، محمود قزوینی، مصطفی رشیدی، مظفر محمدی، ملکه عزتی، موید احمد، مهرنوش موسوی، مینو همتی، نسان نودینیان، ناسک احمد، ناهید ریاضی، نادیه محمود، نسرین جلالی، همایون گدازگر.

www.hekmatist.com
hekmatist@ukonline.co.uk
Tel 44) (0)783 037 95 26

پیام پشتیبانی حزب
کمونیست کارگری عراق

از حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

روز ۲۴ اوت ۲۰۰۴ تشکیل و آغاز فعالیت حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست بعنوان یک حزب جدید، توسط صف وسیعی از رهبران و شخصیت های شناخته شده حزب کمونیست کارگری ایران اعلام شد. با تاسف فراوان دوباره شدن حزب کمونیست کارگری ایران ضربه کاری بر جنبش کمونیسم کارگر بود،

اما تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست چراغ امید روشن و فروزانی برای بیرون آوردن این جنبش از زیر بار آن ضربه و برافراشته نگاهداشتن پرچم حکمتیسم و به سرانجام رساندن پیام منصور حکمت است. حزب کمونیست کارگری عراق و حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست دو حزب

متعلق به یک جنبش و یک سنت سیاسی و اجتماعی اند که به تئوریهای مارکسیسم و منصور حکمت و برنامه یک دنیای بهتر متکی هستند. بر این اساس حزب کمونیست کارگری عراق هم پیمانی و همزمی گرم و محکم خود با حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست را اعلام میکنند و با تمام توان از مبارزه و تلاش آن برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برپایی یک جمهوری سوسیالیستی در ایران، پشتیبانی میکنند. حزب کمونیست کارگری عراق، کارگران و زنان و جوانان و همه

مردم آزادیخواه ایران را به پیوستن به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست و گرد آمدن به دور آن فرا میخواند.

**زنده باد حزب
کمونیست کارگری
ایران - حکمتیست!
زنده باد حکمتیسم!
زنده باد جمهوری
سوسیالیستی!**

**حزب کمونیست
کارگری عراق**
۲۵-۸-۲۰۰۴

آدرس سایت سازمان
جوانان حکمتیست

www.sjk-hekmatist.com

مسئول سایت:
لیلا روشن ضمیر
ای میل:
leila71dk@yahoo.dk

سایت حزب کمونیست
کارگری ایران - حکمتیست

www.hekmatist.com

مسئول سایت:
نسرین جلالی

سازمان جوانان کمونیست، بسیاری از رفقا را نگران کرده است. اما ما میتوانیم با کار و عمل متحدمان مشکلات این دوره را سریعاً از سر بگذرانیم و پرچم کمونیسم کارگری و حکمتیسم را محکم بر زمین سیاست در ایران بکوییم. من تک تک این عزیزان را به همکاری و پیوستن به این سازمان فرامیخوانم.

روشن است که رفقای که در جریان قدمهای ۱ تا ۹ با هم کار را به پیش بردیم، تاثیر مستقیمی در تصویر کردن قدمهای آینده داشته باشند. من همینجا از همه این عزیزان تشکر میکنم. **جوانان حکمتیست:** در پایان پیامتان برای خوانندگان ما چیست؟ **بهرام مدرسی:** به حکمتیستها بیونید! این پیام اصلی من است. میدانم که این جدایی ها در حزب و

ایران و هم در خارج کشور. **جوانان حکمتیست:** نقش این پیامهای رفقا از ایران در این مورد چه بود؟ **بهرام مدرسی:** بله، رفقای زیادی پیام دادند. این رفقا با این کار خود عملاً در تدقیق این پلاتفرم شرکت کردند. پلاتفرم حاضر، بخش زیادی از همین نامهها الهام گرفته است. همانطور که گفتم این پلاتفرم قدمهای ۹ تا ۲۰ را نشان میدهد و

بتوان گوشت ۳۰ میلیون جوان معترض را به آن آویزان کرد. میخواهیم که کادرهای اصلی این سازمان بدانند که با چه کالیبری باید به خودشان نگاه کنند و چه انتظاری باید از خودشان داشته باشند. میخواهیم که کادرها و هم فکرها سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست به سخنگویان بی اما و اگر جنبش آزادی و برابری طلبی جوانان در ایران تبدیل شوند، هم در

مصاحبه با بهرام مدرسی

ادامه از صفحه ۳

یکبار دیگر تعریف کند. میخواهیم که بجای دفاتر ارتجاعی انجمن اسلامی و تحکیم وحدت و غیره ظرفهای تشکل دیگری برای جوانان در این محیطها ارائه دهیم. میخواهیم که ما چنان اسکلت کادری محکمی داشته باشیم که

پیام بهرام مدرسی

دبیر سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست

به دانشجویان و دانش آموزان به مناسبت اول مهر ۱۳۸۳

چند روز دیگر اول مهر است و بازگشایی مدارس و دانشگاه‌ها. سران ریز و درشت رژیم اسلامی از وزارت ارشاد و وزارت آموزش و پرورش تا وابستگان به جبهه بیفایده دوم خرداد، خود را برای این بازگشایی آماده میکنند و "اخطار" میدهند. سعی دارند با "آماده‌باش" کامل به پیشواز بازگشایی دانشگاه‌ها و مدارس بروند.

موقعیت رژیم اما بسیار ضعیفتر و شکننده‌تر از آنست که بتواند به چنین اقداماتی امید ببندد.

شکونده‌تر است چون مبارزات یکسال گذشته ما یکبار دیگر شعار سراسری سرنگونی رژیم اسلامی و میل به ایجاد جامعه‌ای آزاد و برابر را به همگان معرفی کرد. موقعیت رژیم شکننده‌تر است چون بیشتر از سال گذشته در بن بست سیاسی و اقتصادی قرار گرفته است. چون مبارزات و اعتراضات کارگران،

معلمان و مردم در دورترین نقاط ایران، گلولی رژیم اسلامی را گرفته‌اند. چون وجود رژیم اسلامی و حکومت اسلامی و خدا بیش از هر زمان مورد تنفر بشر آزادیخواه قرن ۲۱ در سراسر جهان است. جمهوری اسلامی آینده‌ای بجز شکست و سرنگونی ندارد! دانشجویان و دانش آموزان مبارز و آزادیخواه!

دانشجویان و دانش آموزان کمونیست!

ما تا اینجا، در تضمین این آینده برای رژیم اسلامی نقش بزرگی ایفا کرده‌ایم. ما توانسته‌ایم با اعتراضات و مبارزاتمان فضای سیاسی جامعه را به امر سرنگونی رژیم اسلامی بیشتر متوجه سازیم. برای پیش برد مبارزه‌مان باید متشکلاتر از آنچه که تاکنون بوده‌ایم عمل کنیم. محافل و تشکلهایی که فی الحال موجودند دیگر جابجایی مبارزه متشکل و

هماهنگ میلیونها دانشجو و دانش آموز نیستند. برای يك مبارز متحد، متشکل و هماهنگ باید با حزب و سازمانی کار کرد که این هماهنگی، اتحاد و مبارزه هدفمند را برای رسیدن به اهدافمان تضمین میکنند. این سازمان و حزب موجود اند. حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست و سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست، سازمان و حزب همه جوانانی هستند که خواهان مبارزه‌ای قاطع، متحد و متشکل برای ایجاد جهانی بدور از اسلام و زن ستیزی و سرکوب هستند. باید به این حزب و این سازمان پیوست. واحدهای سازمان جوانان را به کمک دوستان و آشنایان در هر کجا که هستید تشکیل دهید. از طریق این سازمان میتوانیم خواسته‌هایمان را در سطحی سراسری طرح و مبارز متحدی را برای به سرانجام رساندن آنها آغاز کنیم.

باید فشار بر گروه‌ها و محافل رژیمی از هر دو جناح آن را افزایش دهیم. این یعنی محیط مدارس و دانشگاه‌هایمان را در دست خود گیریم. دانشگاه باید محیطی برای جدل سیاسی و طرح خواسته‌های مردم باشد نه محیطی برای مزخرفات امامان جمعه و یا گروه‌هایی که تنها از صدقه سر وجود

دیکتاتوری اسلامی زنده اند. دانشگاه‌ها را باید به تریبون آزاد مردمی که نه زن ستیزند، نه دولت اسلامی می‌خواهند، نه زندانی سیاسی می‌خواهند و نه قوانین و مقررات قرون وسطایی رژیم اسلامی را دیگر تحمل میکنند تبدیل کرد. دانشگاه‌ها باید تریبونی برای دفاع از مبارزات کارگران و کارمندان و معلمین باشند، دانشگاه‌ها باید محلی برای دفاع از آزادی زندانیان سیاسی باشند و تمام این "بایدها" تنها در گرو این است که ما محیط دانشگاه‌ها را به دست خود بگیریم که قدم اول آن شروع مبارزات همه گیر در سطح کشور برای بازگشت محرومین از تحصیل به دانشگاه‌ها و آزادی همه دستگیر شدگان اعتراضات امسال و تمام زندانیان سیاسی است.

باید شعار نویسی در محیط تحصیلیمان را گسترش دهیم. نفس شعار نویسی اعلام توازن قوای دیگری به رژیم و به همه کسانی است که شعارهای ما را می‌خوانند. شعار یعنی اعلام علنی خواستی توده‌ای و سراسری، یعنی دعوت به مبارزه متحد برای رسیدن به این خواسته‌ها. در دیوار مدارس و دانشگاه‌هایمان را با شعارهایی مانند: "آزادی زندانی سیاسی"، "برابری بی قید و شرط زنان و مردان"، "دست مذهب

از زندگی ما کوتاه"، "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "زنده باد آزادی و برابری" پر کنیم.

باید با دستگاه سرکوب رژیم بشدت برخورد کرد. نباید گذاشت که حتی به کسی "چپ" نگاه کنند. هر دستگیری باید برابر باشد با اعتراضات و اعتصابات ما. باید خودمان را برای تحصن و اعتصاب برای رسیدن به خواسته‌هایمان آماده کنیم. با هر اعتراض و تحصن ما، مردمی که با ما هم دردند، مداران و پدرانمان به حمایت از ما بر خواهند خواست.

اول مهر ۱۳۸۳ باید اعلام سر آغاز دور جدیدی در مبارزات ما برای سرنگونی رژیم سیاه اسلامی باشد. میلیونها جوان در ایران محق زندگی دیگری هستند. زندگی که لایق انسان امروزی است، زندگی که با ذره‌ای از وجود این رژیم اسلامی خوانایی ندارد. برای ساختن چنین زندگی به استقبال اول مهر برویم. جمهوری اسلامی را باید سرنگون کرد!

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد آزادی، زنده باد برابری!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!
بهرام مدرسی
۱۰ شهریور ۱۳۸۳
۳۱ اوت ۲۰۰۴

یادداشت سر دبیر (از صفحه اول)

انسانی مان، به انتشار نشریه هفتگی ای که فریاد، مبارزه و دادخواست جوانان آزادیخواه و برابری طلب از جامعه و حکومت های حاکمه‌اش، مطالبات و افق جنبش کمونیسم کارگری را مطرح کنیم و به سازماندهی آن بپردازیم و تلاش کنیم این افق به چشم انداز جنبش هرچه وسیع تری در جامعه جوان ایران، بدل شود تا راه مبارزه برای سرنگونی و خلاصی هرچه کم مشقت بار تر از دست جمهوری اسلامی به فرجام برسد.

سازمان جوانان کمونیست- حکمتیست، قبل از همه چیز به اینجا تعلق دارد. به رهبر "نه" گفتن به کلیت اقتصاد، فرهنگ و سیاست این سیستم قرون وسطایی که راه به

تمام شاه‌رگ های حیاتی زندگی اجتماعی انسان ها برده است. به مبارزه زنده و هر روزه دختران و پسرانی تعلق دارد که رسیدن به يك دنیای بهتر، مدرنیت و غربی زیستن، بهره مندی از نعمات زندگی و رهایی از دست استثمار و تبعیض و خرافه و مذهب، به نان شب و روزشان تبدیل شده است.

کم نیستند گرایشات و نظراتی که ملغمه‌ی ای دیدگاه‌های بغایت عقب مانده و پوچ را بعنوان علت و چرایی این بخش پیشرو و مدرن از جنبش کمونیسم کارگری، ارائه می دهند. تلاش این "عالیجنابان" چیزی جز سفسطه و تداوم بی حقوقی و بی حرمتی به این نسل در طول تاریخ نبوده است. غافل از اینکه این

جنبش و این نسل، با حرکت مکانیکی و فلسفه پاسیفیستی کاملاً بیگانه است. جایی که راه بر رویش بسته شود یا سرعت پیشروی بیش از حد کم شود، شروع به پیدا کردن راهی دیگر کرده است و با اتکا به نقش انسان و عظمتش در تعیین سرنوشت خویش، در مقابل هر مانعی به مبارزه برخاسته و به حرکت خود ادامه داده است.

هدف نشریه جوانان کمونیست- حکمتیست، این است که به ابزار مبارزه و تشکل اعتراضات جوانان در کل جامعه تبدیل شود. به جهانشمول بودن خواسته‌ها و مطالبات جوانان جامعه ایران معتقد است و این وظیفه را با سازماندهی و آگاه‌گری گسترده و هرچه بیشتر، برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی و به قدرت رساندن حزب کمونیست کارگری-

حکمتیست به پیش می برد. بی شك این نشریه افق سوسیالیستی و گرایش انقلابی در جنبش جوانان را نمایندگی می کند و سعی در پلایزاسیون اجتماعی و بلند کردن پرچم مکانیسم های رادیکال و مدرن در جامعه ایران را دارد. بدین منظور این نشریه به جوانانی تعلق دارد که در محلات، کارخانه ها، کارگاه ها و میادین ورزشی و تجمعی برای به عقب راندن قوانین کثیف اسلامی، هر روزه و در ابعاد گوناگون اعتراض خود را به نمایش می گذارند. نشریه دخترانی است که علیه آپارتاید جنسی هستند و برای به آتش کشیدن حجاب اجباری به میدان آمده اند. نشریه دانشجویانی است که می خواهند دانشگاه ها را به تسخیر آزادی خواهی و برابری طلبی خود در آورند. پلاتفرم انسان های زنده ای است که می خواهند در

ساختن دنیایی آزاد و برابر سهمی داشته باشند. سازمان جوانان کمونیست- حکمتیست و نشریه اش، آماده است تا به قلب جامعه جوان ایران پرتاب شود. جایگاه آنها در دل تحولات امروزی جامعه است. از هر آنچه که به نظراتان می آید و فکر می کنید که باید در چنین نشریه ی انعکاس یابد، دریغ نکنید و حتماً برایمان بنویسید. این نشریه، با ذهن باز، آماده شنیدن و جواب دادن به نظرات گوناگون شما نسبت به رخداد ها، پدیده ها و داده های موجود است. به سازمان جوانان کمونیست- حکمتیست، ظرف متشکل شدن شما برای سرنگونی رژیم اسلامی و بر پایایی جامعه ی آزاد و برابر ببینید...

بیانیه اکثریت کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری در باره کناره گیری از حزب کمونیست کارگری ایران

- ۱- آذر مدرسی (عضو دفتر سیاسی)
- ۲- اسد گلچینی (عضو دفتر سیاسی و دبیر کمیته تشکیلات کل کشور)
- ۳- اسد نودینیان (عضو هیات دبیران)
- ۴- اعظم کم گویان
- ۵- امان کفا
- ۶- ایرج فرزاد (عضو دفتر سیاسی - سردبیر نشریه ایسکرا)
- ۷- بهرام مدرسی (دبیر سازمان جوانان کمونیست)
- ۸- ثریا شهبانی (عضو دفتر سیاسی)
- ۹- حسین مرادیگی - حمه سور (عضو دفتر سیاسی)
- ۱۰- خالد حاج محمدی (مسئول شهرهای کردستان و دبیر کمیته سقز)
- ۱۱- رحمان حسین زاده (عضو دفتر سیاسی و دبیر کمیته کردستان)
- ۱۲- ربیوار احمد (لیدر حزب کمونیست کارگری عراق)
- ۱۳- صالح سرداری (دبیر کمیته شهر مریوان)
- ۱۴- صلاح ایران دوست (یکی از دو مسئول سایت اینترنتی روزنه)
- ۱۵- عبدالله دارابی (عضو دفتر سیاسی)
- ۱۶- فاتح شیخ (عضو دفتر سیاسی)
- ۱۷- کورش مدرسی (رئیس دفتر سیاسی)
- ۱۸- مجید حسینی (عضو دفتر سیاسی)
- ۱۹- محمد فتاحی (دبیر تشکیلات دانمارک)
- ۲۰- محمود قزوینی (دبیر تشکیلات دانمارک)
- ۲۱- مظفر محمدی (دبیر کمیته شهر سنجند)
- ۲۲- مهرنوش موسوی
- ۲۳- نسان نودینیان (دبیر کمیته آلمان)
- ۲۴- نسیرین جلالی

نظراشان، از آنجا که اقلیت کمیته مرکزی را تشکیل می‌دهند، تصمیم به برهم ریختن حزب و زیر پا نهادن کلیه موازین، اصول و نهادهای حزبی گرفتند. بجای اتکا به شیوه‌های توافق شده در یک حزب مدرن و سیاسی، کلیه سنت‌های حزب کمونیست کارگری، عینی دستاوردهای تائونی این حزب را زیر پا گذاشتند. این رفتار ما را در مقابل یک انتخاب قرار داده است. می‌توانیم با اتکا به اکثریت مان در کمیته مرکزی، لیدر حزب را برکنار کنیم، دفتر سیاسی را مجدداً انتخاب کنیم، اجتماع فراخوان داده شده توسط حمید تقوایی را غیر قانونی اعلام کنیم و امور حزب را بدست بگیریم. اما در این صورت، با توجه به عدم یابندگی اقلیت کمیته مرکزی به هیچ معیار و اصولی و با توجه به رفتار ماجراجویانه و بکلی غیر مسئولانه آنها، شاهد تجزیه حزب کمونیست کارگری به دو حزب هم نام خواهیم بود. دو حزبی که بر سر نام و بر سر اموال به جان هم افتاده‌اند. این در واقع تکرار سناریو همیشگی سکت‌های سنتی چپ است. در چنین کشمکش‌های طرف هم که پیروز شود، کمونیسم کارگری و بویژه خط منصور حکمت بازنده است. در اینصورت در جامعه حیثیت و اعتباری برای هیچ یک از طرفین باقی نخواهد ماند. ما این راه را انتخاب نمی‌کنیم. جامعه و فضای سیاسی ایران و اعتبار کمونیسم کارگری در پیچه‌ای برای دخالت در زندگی انسانها و تحقق آزادی و برابری را فراهم کرده است که در چنین مسیری بکلی بسته می‌شود و همه ما را مشغول یک جنگ فرقه‌ای نابود کننده خواهد کرد. و از کمونیسم کارگری چیزی بجای

زنده باد کمونیسم

کارگری

زنده باد منصور حکمت

۲۴ اوت ۲۰۰۴

۳ شهریور ۱۳۸۳

حزب را نمایندگی می‌کند. مجمعی که رفیق تقوایی فراخوان آن را داده است جمعی اختیاری است که امکان سفر به محل جلسه را دارند و به هیچ وجه تشکیلاتهای حزب کمونیست کارگری را نمایندگی نمی‌کنند. جایگزین کردن کنگره با چنین جمع اختیاری اعضای هم خط اقلیت کمیته مرکزی مطابق بدیهی ترین سنن حزبی غیر قابل قبول و غیر قانونی است. این تصمیمات مخالف هر سنت و قانون مکتوب و توافق شده حزب است. حزب کمونیست کارگری ایران، پلنوم آن، و تمام کمیته‌های حزبی و سلسله مراتب تشکیلاتی آن به این ترتیب از زبان لیدر آن منحل اعلام شدند. حمید تقوایی در واقع حکم انحلال حزب را اعلام کرده است بدون اینکه چنین اختیاری داشته باشد. کسی که امروز حزب را علیه تعهدات خود و فراتر از هر اختیار حزبی منحل اعلام می‌کند، نمیتواند به هیچ پرنسپی متعهد بماند. این رفتار علیه تحزب سیاسی کمونیسم کارگری است و بازگشت به سنت جریاناتی است که نه بر اساس اصول و مقررات مدون و توافق شده و نه در چارچوب اختیارات تعریف شده تشکیلاتی، بلکه بر اساس احکام و فتوای قائل ماورای قانون عمل می‌کنند.

حزب را نمایندگی می‌کند. مجمعی که رفیق تقوایی فراخوان آن را داده است جمعی اختیاری است که امکان سفر به محل جلسه را دارند و به هیچ وجه تشکیلاتهای حزب کمونیست کارگری را نمایندگی نمی‌کنند. جایگزین کردن کنگره با چنین جمع اختیاری اعضای هم خط اقلیت کمیته مرکزی مطابق بدیهی ترین سنن حزبی غیر قابل قبول و غیر قانونی است. این تصمیمات مخالف هر سنت و قانون مکتوب و توافق شده حزب است. حزب کمونیست کارگری ایران، پلنوم آن، و تمام کمیته‌های حزبی و سلسله مراتب تشکیلاتی آن به این ترتیب از زبان لیدر آن منحل اعلام شدند. حمید تقوایی در واقع حکم انحلال حزب را اعلام کرده است بدون اینکه چنین اختیاری داشته باشد. کسی که امروز حزب را علیه تعهدات خود و فراتر از هر اختیار حزبی منحل اعلام می‌کند، نمیتواند به هیچ پرنسپی متعهد بماند. این رفتار علیه تحزب سیاسی کمونیسم کارگری است و بازگشت به سنت جریاناتی است که نه بر اساس اصول و مقررات مدون و توافق شده و نه در چارچوب اختیارات تعریف شده تشکیلاتی، بلکه بر اساس احکام و فتوای قائل ماورای قانون عمل می‌کنند.

لازم نبود که اختلافات درونی حزب کمونیست کارگری ایران به اینجا کشیده شود. نامه ۲۲ نفر از اعضای کمیته مرکزی که مورد حمایت اکثریت این کمیته و همچنین، دفتر سیاسی و لیدر حزب کمونیست کارگری عراق قرار گرفت راه اصولی حفظ اتحاد حزب را پیش پای همه قرار داد. متأسفانه رفیق تقوایی و هم

اختلافاتی که در رهبری حزب کمونیست کارگری ایران سابقه داشت در طی دو سال گذشته، به دنبال از دست دادن منصور حکمت، بالا گرفت. این اختلافات بعد از کنگره چهارم ابعاد همه جانبه‌ای یافت و طی چند ماه گذشته رهبری حزب را فلج کرد. نفس وجود اختلاف در حزب کمونیست کارگری جدید نیست. آنچه که تازه است نحوه برخورد به این اختلافات از جانب بخشی از رهبری حزب است. برای رسیدگی به این اختلافات و یافتن راه حل خروج حزب از این بن بست، دو ماه پیش، پلنوم کمیته مرکزی حزب با توافق دفتر سیاسی و لیدر حزب برای اواخر سپتامبر فراخوانده شد. اما رفیق حمید تقوایی، لیدر حزب در سیمینار اینترنتی در روز ۲۱ اوت ۲۰۰۴ تصمیمات محیرالعقول و غیر قانونی جدیدی را اعلام کرد دایر بر اینکه:

۱- پلنوم کمیته مرکزی حزب را برسمیت نیشناسد و علیرغم درخواست اکثریت اعضای کمیته مرکزی در پلنوم حضور بهم نخواهد رساند و اصولاً حکم کمیته مرکزی را نمی‌پذیرد. این اقدام مطابق اصول سازمانی حزب و طرح ارگانهای رهبری حزب که همه ما هنگام انتخاب به عضویت کمیته مرکزی توسط کنگره پذیرفته‌ایم و مطابق ابتدائی ترین سنن سازمانی و حزبی غیر قانونی است.

۲- رفیق تقوایی جمعی از اعضای حزب در خارج کشور را برای اواسط سپتامبر فرا خواند و اعلام کرد که این تجمع کنگره فوق العاده حزب است. مطابق اصول سازمانی حزب کمونیست کارگری کنگره مجمع نمایندگان تشکیلاتهای حزب است و کل

پلاتفرم دور آتی فعالیت سازمان جوانان کمونیست - حکمیتیت

توضیح بهرام مدرسی:

پلاتفرم پیشنهادی من به پلنوم پنجم کمیته مرکزی سازمان جوانان کمونیست را ملاحظه میکنید. این پلاتفرم به تصویب پلنوم رسید. مستقل از اینکه سازمان جوانان کمونیست حاضر، پس از خارج شدن ما از آن، این پلاتفرم را مبنی عمل خود قرار میدهد یا نه، این پلاتفرم مبنی عمل ما، سازمان جوانان کمونیست - حکمیتیت، خواهد بود. روشن است هر جا که در پلاتفرم نامی از حزب کمونیست کارگری ایران آمده بود، به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمیتیت تغییر داده شده است.

تیر ۱۳۸۳ - جولای ۲۰۰۴

مقدمه اوضاع سیاسی در ایران دستخوش تحولات جدی است. رژیم اسلامی در شرایطی که همه آلترناتیوهای مطرح برای خارج کردن رژیم از زیر ضرب مبارزات مردم راه بجایی نبردند، امروز بخصوص در تنگنای نجات خود گرفتار است. خارج شدن کنترل اوضاع برای رژیم بسیار محتمل است. این همه احزاب سیاسی را به مصاف کوبیدن مهر خود بر شرایط امروز و تلاش برای کسب قدرت سیاسی کشانده است. سازمان ما باید در این جدال شرکت کند و بیشترین تلاش را برای به قدرت رساندن حزب کمونیست کارگری ایران - حکمیتیت و پیروزی انقلاب سوسیالیستی مبنیول دارد.

تبدیل شدن به نیروی موثر در صحنه سیاست ایران

سازمان جوانان کمونیست - حکمیتیت یکی از سازمانهای سیاسی بزرگ و مطرح در جنبش جوانان و مردم بری سرنگونی رژیم اسلامی است. این سازمان باید به

یکی از نیروهای اصلی که شرایط سیاسی را به نفع سرنگونی قطعی رژیم اسلامی و ایجاد جامعه‌ای آزاد و برابر سوق میدهد، تبدیل شود. جنبش اعتراضی و ابتکار تحریک اعتراض عمومی علیه جمهوری اسلامی و تحریک اعتراضی در میان جوانان میتوانند و باید به نام ما ثبت شوند. ابتکار گسترش سازمانیابی توده‌ای در دانشگاه‌ها و محلات میتوانند و باید در دست ما باشد. سازمان جوانان کمونیست - حکمیتیت به این اعتبار باید دخیل در مبارزات مردم و جوانان در هر شهر، محله، محیط کار، دانشگاه‌ها یا مدرسه باشد و برای همه جوانانی که خواستار مبارزه‌ای متحد و یکپارچه برای سرنگونی رژیم اسلامی و ایجاد جهانی آزاد و برابر هستند، قابل دسترس و پیوستن باشد. هدایت نقشه‌مند این مجموعه اقدامات به معنی تبدیل ما به نیروی موثر در صحنه سیاست ایران و تاثیر گذار در تحولات امروز جامعه است. دستیابی ما به این موقعیت مترادف با ایجاد تناسب قوای جدیدی به نفع مبارزات مردم و جوانان است که شرط آن اجرای موافقت‌آمیز اقدامات زیر در این دوره میباشند.

گسترش و توده‌ای شدن شبکه‌های اعضا و فعالین سازمان جوانان کمونیست - حکمیتیت در محلات و مراکز آموزشی در سطح کل کشور.

- ساده‌تر کردن راه‌های عملی پیوستن به سازمان جوانان کمونیست - حکمیتیت. - ساختن و گسترش اسکلت کادری محکمی که بتواند شبکه‌های اعضا و فعالین سازمان را در محل هدایت کند.

- معرفی و توزیع منظم و وسیع ادبیات منصور حکمت.

- استاندارد کردن سطح آموزش

سیاسی و عملی کادرهای سازمان جوانان کمونیست - حکمیتیت.

- برگزاری کنگره دوم سازمان - عروج رهبران و شخصیت‌های با اتوریته سازمان جوانان کمونیست - حکمیتیت در جنبش جوانان و از این راه تامین رهبری سراسری و محلی مبارزات و اعتراضات جوانان در محلات یا دانشگاه‌ها.

رفع موانع فرهنگی، اجتماعی و سیاسی فعالیت زنان و دختران جوان و فراهم کردن شرایط عروج این اتوریته‌ها و رهبران در جنبش برابری زن و مرد. - گسترش وسیع دامنه حضور سازمان جوانان کمونیست - حکمیتیت در محلات. شکل دادن به ارگانهای تشکل جوانان در محلات و هدایت کردن فضای سیاسی محلات. - گسترش وسیع دامنه نفوذ سازمان جوانان کمونیست - حکمیتیت در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی دیگر.

تبدیل شدن به پرچم کمونیسم و چپ در این محیط‌ها و هدایت فضای سیاسی این مراکز. - مبارزه و افشای بی‌امان جریان‌های سیاسی چون سلطنت‌طلبان، وابستگان به دوم خرداد و جریان ملی - اسلامی در محیطهای دانشگاهی

- تلاش در ایجاد تشکلهای صنفی و سیاسی وسیع توده‌ای جوانان در محلات و دانشگاه‌ها.

- گسترش دامنه انتشار نشریات محلی در دانشگاه‌ها. - باتوجه به شرایط سیاسی مطلوب در کردستان برای ما، تلاش در گسترش نفوذ سازمان جوانان کمونیست - حکمیتیت در کردستان. - کسب آمادگی بری شرایط اضطراری و به دست گرفتن ابتکار برچیدن جمهوری اسلامی و کنترل اوضاع دانشگاه‌ها و محلات.

- گسترش شبکه ارتباطات سازمان در میان سربازان.

- راه اندازی فوری برنامه‌های تلویزیونی سازمان جوانان کمونیست - حکمیتیت. - گسترش منابع مالی سازمان جوانان کمونیست - حکمیتیت. تامین منابع مالی برای شروع به کار برنامه‌های تلویزیونی سازمان

- آغاز پخش برنامه‌های رادیویی سازمان.

- گسترش و قوام بخشیدن به

واحدهای سازمان جوانان کمونیست - حکمیتیت در خارج کشور.

- تبدیل واحدهای سازمان در خارج کشور به نمایندگان و سخنگویان خواستها و مبارزات جوانان در ایران. - راه اندازی و گسترش برنامه‌های رادیویی محلی واحدهای سازمان جوانان کمونیست - حکمیتیت در خارج کشور.

گسترش سقف انتشار و توزیع نشریه جوانان کمونیست و اعلامیه‌ها و بیانیه‌های سازمان در ایران و خارج کشور.

آغاز سیر سرنگونی رژیم

جامعه ایران هیچ گاه به این میزان حکومت اسلامی را پس نژده است. نفرت از رژیم، اعتراضات هرروزه از جایی و به بهانه‌ای، ایران را در آستانه یک انفجار سیاسی، یک انقلاب، یا یک شرایط متحول و پر تب و تاب که در آن امکان اعمال اراده مستقیم مردم به شکل وسیعی فراهم شده باشد قرار داده است. میتوان تصور کرد که جمهوری اسلامی علیرغم اینکه هنوز سرکار است، اما قدرت عمل را از دست داده است، زندانیان سیاسی آزاد میشوند، کابینه‌های دولتی پشت سرهم عوض میشوند. حکومت نظامی بخشا مطرح میشود. اعتراضات و تظاهراتهای روزانه چهره جامعه را تغییر میدهند. مردم و جوانان روزانه خواستهای روشنتری را طرح میکنند. سازمانها، نهادها و تشکلهای مختلفی شکل میگیرند. این دوره دوره اتفاقات بسیار مهمی است. احزاب سیاسی هریک تلاش میکنند مهر خود را بر تحولات این دوره بکوبند. تعیین تکلیف قدرت سیاسی به مسئله روز تبدیل میشود. در ایندوره باید با اتکا به قدرت عملی و اجتماعی که در دوره قبل کسب کرده‌ایم، نیروی هرچه بیشتری را حول شعارها و مطالبات حزب کمونیست کارگری - حکمیتیت و سازمان جوانان کمونیست - حکمیتیت متحد سازیم. هدف ما قرار گرفتن در راس مبارزات و اعتراضات مردم، تبدیل شدن به رهبر این اعتراضات و به قدرت رساندن حزب کمونیست کارگری - حکمیتیت و اجرای برنامه یک دنیای بهتر و برقراری سوسیالیسم است. تلاش ما این

است که در دل این تحولات حزب کمونیست کارگری ایران - حکمیتیت و سازمان جوانان آن به یک آلترناتیو مطرح برای شکل دادن به آینده ایران تبدیل شوند.

اقدامات ما

- هماهنگی کامل با رهبری حزب کمونیست کارگری ایران - حکمیتیت.

- تشکیل رهبری نشست سازمان جوانان کمونیست - حکمیتیت در ایران.

- دائر کردن فوری دفاتر سازمان جوانان کمونیست - حکمیتیت در محلات و دانشگاه‌ها در سطح کل کشور.

- عضوگیری وسیع و دعوت عمومی از جوانان برای پیوستن به این سازمان.

- طرح وسیع و تبلیغ وسیع اهداف و مطالبات ما.

- سازمان دادن جلسات وسیع و بزرگ در محلات و دانشگاه‌ها در معرفی اهداف ما.

- روزانه کردن پیوند انتشار نشریه جوانان حکمیتیت. و انتشار و توزیع وسیع این نشریه.

- تشویق به ترک خدمت و خنثی کردن نیروی مسلح رژیم.

- تلاش در ایجاد تریبون رادیو و تلویزیونی برای سازمان در ایران. - کنترل کامل محلات در هرکجا که امکانش را داریم. توده‌ای شدن سازمان محلی ما در محلات برای اعمال قدرت مردم. اعلام بیانیه حقوق جهانشمول انسان بعنوان مبنی خواست و حقوق مردم در این محلات. - کنترل کامل دانشگاه‌ها در هرکجا که امکانش را داریم. توده‌ای شدن سازمان محلی ما در این مراکز. اعلام بیانیه حقوق جهانشمول انسان بعنوان مبنی خواست و حقوق دانشجویان در این مراکز.

- شکل دادن به میلیس نظامی سازمان هرجا که امکانش بود.

سرنگونی جمهوری اسلامی و قدرت گیری حزب کمونیست کارگری اقدامات سازمان در این دوره در هماهنگی با رهبری حزب کمونیست کارگری - حکمیتیت در محل اتخاذ خواهند شد.

اطلاعیه اعلام موجودیت سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست

سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست به این وسیله تاسیس خود را اعلام میکند. ما موسسین، مسئولین، اعضا و مشاورین کمیته مرکزی سازمان جوانان کمونیست، پس از اینکه حزب کمونیست کارگری ایران را ظرف مناسبی برای ادامه فعالیت های کمونیستی کارگری خود نیافتیم، از سازمان جوانان آن خارج شده و سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست را تشکیل میدهم.

سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست برای همان اهدافی مبارزه میکند که منصور حکمت به خاطر آن جوانان را به متشکل شدن در سازمان کمونیستی خودشان فراخواند. ما فعالیت کمونیستی خود را در چهارچوب این سازمان با انرژی بیشتری به پیش میبریم و به نیاز نسل جوان امروز در ایران که چیزی جز برپایی یک دنیای بهتر و ساختن جهانی آزاد و برابر نیست، پاسخ میدهم.

ما حکمتیسم و کمونیسم کارگری را در کنار حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست، به قدرت خواهیم رساند و ایجاد یک دنیای بهتر را از یک مطالبه، به یک دنیای واقعی که در آن همه برای همیشه سعادت و رفاه و حرمت و انسانیت را تجربه کنند، بدل خواهیم ساخت.

ما برای ایجاد یک جامعه سوسیالیستی نیرویمان را بیش از پیش بکار خواهیم گرفت و اجازه نخواهیم داد که نظام سرمایه از گزند جنبش رادیکال و انسانی جوانان از گزند جنبش طبقه کارگر و از گزند

جنبش برابری طلبانه زنان در امان بماند. آینده از آن ما است. آینده از آن رفاه، شادی و زندگی برای جوانان است. ما در صف مقدم این جنبش از همیشه محکم تر به پیش خواهیم رفت.

هیئت موسس سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست، رفقا بهرام مدرسی، جمال کمانگر، فواد عبدلهی، لیلا روشن ضمیر، نسیم رهنما و شیوا فرهمند را بعنوان هیئت اجرایی سازمان و رفیق بهرام مدرسی را بعنوان دبیر این سازمان برگزید.

تدارک برگزاری اولین کنگره سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست در دستور کار این هیئت خواهد بود.

جوانان، دانشجویان، دختران و پسرانی که برای یک دنیای بهتر مبارزه میکنند!

دوستانان کمونیسم کارگری، آزادیخواهان و برابری طلبان!

به سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست پیوندید!

بهرام مدرسی

دبیر سازمان جوانان کمونیست

مهرنوش موسوی

عضو کمیته مرکزی سازمان جوانان کمونیست

نهبهز احمدزاده

عضو کمیته مرکزی سازمان جوانان کمونیست

بهروز مدرسی

عضو کمیته مرکزی سازمان جوانان کمونیست

جمال کمانگر

عضو مشاور کمیته مرکزی - دبیر کمیته خارج کشور سازمان

امید خدابخشی

عضو مشاور کمیته مرکزی - عضو کمیته خارج کشور سازمان

فواد عبدلهی

عضو کمیته خارج کشور سازمان

ثریا شهابی

عضو مشاور کمیته مرکزی - مشاور دبیر سازمان

نسیم رهنما

عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان جوانان کمونیست

لیلا روشن ضمیر

عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان جوانان کمونیست

شیوا فرهمند

عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان جوانان کمونیست
۵ شهریور ۱۳۸۳
۲۶ اوت ۲۰۰۴

کنفرانس اول کادرهای حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۴ و ۵ سپتامبر ۲۰۰۴ - گوتنبرگ سوئد

کنفرانس اول کادرهای حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست در روزهای چهارم و پنجم سپتامبر در شهر گوتنبرگ (یوتبوری) سوئد برگزار میشود. این کنفرانس علنی است و شرکت همگان در آن آزاد است. با توجه به محدودیت فضای سالن شرکت کنندگان باید از قبل ثبت نام کرده باشند.

این کنفرانس مستقیماً از طریق اینترنت بخش میشود

ورود افراد زیر ۱۶ سال به کنفرانس مجاز نیست

تلفن تماس: 00447815902237

آدرس ای میل: conference_hkqh@yahoo.co.uk

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

اعلام پیوستن کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

به دنبال تحولات درونی حزب کمونیست کارگری ایران، و با جدایی طیف وسیعی از اعضای رهبری و شخصیت‌های شناخته شده از آن حزب، در تاریخ ۳ شهریور ۱۳۸۳ حزب کمونیست کارگر ایران - حکمتیست اعلام موجودیت کرد. به دنبال این واقعه اکثریت قاطع اعضا و مشاورین کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری (۴۳ نفر از جمع ۵۱ نفری اعضا و مشاورین این کمیته) در همفکری و تبادل نظر با هم، پیوستن کمیته کردستان را به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست تایید نمودند. به این ترتیب به دنبال انتشار این اطلاعیه، این کمیته، به عنوان کمیته کردستان

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۵ شهریور ۱۳۸۳

۲۴ اوت ۲۰۰۴